

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

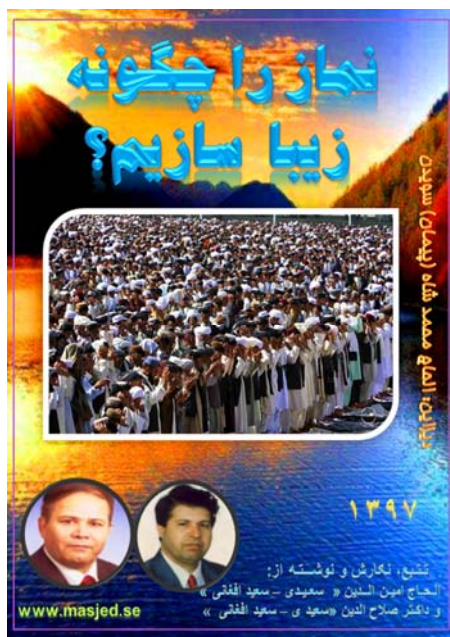
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی
۱۴ نومبر ۲۰۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز را چگونه زیبا سازیم؟

۱



خواننده محترم!

نماز عامل آرامش روح و روان انسان است. نماز برای انسان نیرو و قوت عظیم معنوی، برای تحمل غمها و مصائب بخشیده و همین نماز است که انسان به وسیله اش قوه غلبه بر بسیاری از امراض روانی را به دست می آورد.

نماز ضامن سعادت‌مندی انسان و بهترین تداوی برای بسیاری از امراض و مصیبت‌ها به شمار می رود.

نماز انسان را برای زندگی حاضر و مستقبل امیدوار نموده و قدرت ایستادگی و مقاومت او را در برابر حوادث ناگوار قوت می بخشد.

انسان در نماز با تمام اعضای بدن و حواس خود متوجه پروردگار خویش می گردد و از همه مشغولیت‌ها و مشکلات دنیوی روی برمی‌گرداند و به هیچ چیز جز پروردگار و آیات قرآنی که در نماز بر زبان می آورد فکر نمی کند. همین روی‌گردانی کامل از مشکلات

زندگی و عدم فکر کردن به آنها، در اثنای نماز، باعث ایجاد آرامش روح و روان در انسان می گردد. بهترین نماز و کاملترین نماز و عبادت همان نماز و عبادتی است که به صورت موثق و نقل بالنقل برای ما از پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم اجراء و ادای آن رسیده و روایت شده باشد.

بناءً برای زیبا سازی نماز و جلوگیری از اغلاط غیر قصدی و عمدی توجه خوانندگان عزیز را به رعایت نکات ذیل جلب می نمایم:

زمینه سازی برای روحیه خشوع:

اولین اقدام را که یک نماز گزار باید برای ادای نماز به عمل آورد، همانا زمینه سازی برای روحیه خشوع در نماز است.

بناءً نماز گزار با حضور کامل قلبی و به بهترین آمادگیهای جسمی و روحی نماز خویش را بر پا دارد، ضرور است توجه خویش را به مقدمات نماز جلب دارد، این آمادگی را از وضوء آغاز نماید، وضوء را باید به صورت کامل و دقیق و بهتر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، انجام دهد و حتی علماء می گویند که نماز گزار قبل از ادای نماز لحظاتی را هم در خلوت با پروردگار خویش سپری نماید.

جسم و روح نماز:

علماء بدین عقیده اند که: نماز از دو بخش اساسی (جسم و روح) مرکب و تشکیل شده، اگر جسم انسان ضعیف باشد، روح انسان از قوت و صلابت لازمی برخوردار نمی باشد جسم نماز به فهم علمای دین، خواندن و بجا آوردن نماز مطابق دستور پیامبر صلی الله علیه است که می فرماید: «صلوا کما رایتونی اصلی» (نماز بخوانید مثل مرا که دیدی نماز می خوانم). ما پیامبر صلی الله علیه را نه دیده ایم، ولی ما باید نماز خویش را طوری انجام دهیم طوری که احکام آن در احادیث نبوی در دسترس ما قرار گرفته است.

بناءً اگر خواستار قوت جسم و روح نماز باشیم، باید برای آن زمینه سازی لازمی را به عمل آوریم.

خشوع:

خشوع، روح نماز است اگر رکوع و سجود و قرائت و تسبیح را جسم نماز بدانیم، حضور قلب و توجه درونی به حقیقت نماز و کسی که با کسی که راز و نیاز می کنیم روح نماز است.

خشوع در واقع چیزی جز حضور قلب توأم با تواضع و ادب و احترام چیزی دیگری نیست و به این ترتیب روشن می شود که مؤمنان تنها به نماز به عنوان یک کالبد بی روح نمی نگرند بلکه تمامی توجه آنها به باطن و حقیقت نماز است. انسان، دارای جوارح و جوانحی است، اعضای ظاهری بدن را جوارح و اعضای باطنی را جوانح می گویند، اگر اعضای ظاهری طبق ضوابط شرع، درست و مؤدب بود، می گویند خاضع است و خضوع دارد؛ اما خاشع، یک مرتبه بالاتر از این است؛ یعنی قلب هم متوجه او باشد، همین طوری که ظاهر، متوجه حق است، باطن و قوه خیال هم آنجا باشد.

بسیاری از نماز گزاران هستند که اشتیاق فراوان به حضور قلب و خشوع و خضوع در نمازها دارند اما هر چه می کوشند توفیق آن را نمی یابند.

نماز گزار هر زمانی که به نماز می ایستد، با تمام توان فکری طوری تصویر را در خود منسجم سازد، که مقابل پروردگار با عظمت خویش ایستاده است، و می خواهد با خالق خویش راز و نیاز را بجا آورد.

نباید فراموش کرد که پروردگار با عظمت به ظاهر جسمی ما نمی بیند، بلکه به قلوب ما نظر می اندازد. در حدیث روایت شده آبی هریره -رضی الله عنه آمده است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَامِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ» (آخرجه مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب تحریم ظلم المسلم، وخذله، واحتقاره ودمه، وعرضه، وماله (۱۹۸۶/۴)، رقم: (۲۵۶۴)).

همچنان علماء معنای دیگری را هم برای خشوع به عمل آورده اند و می گویند که گاهی انسان، خاشع در عبادت است و گاهی خاشع در معبود؛ گاهی در عبادت، تمام توجه ما به بندگی حق است و می خواهیم بنده او باشیم گاهی هم خشوع ما در معبود است یعنی حضرت حق را با چشم دل می بینم و در مقابل او خضوع و خشوع دارم. این، خیلی مهم و بهتر از خشوع در عبادت است.

البته خشوع در عبادت هم بسیار عالی است اما درجه بالاتر آن، خشوع در معبود است که انسان همیشه متوجه حق باشد و او را پهلوی خودش ببیند.

مقدار فایده بردن از نماز :

در حدیثی روایت شده از عمار بن یاسر آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:

« **إن الرجل لينصرف وما كتب له إلا عشر صلواته ، تسعها ، ثمنها ، سبعها ، سدسها ، خمسها ، ربعها ، ثلثها ، نصفها** » (صحیح - روایت ابو داود و نسائی)

«یک شخص از نمازش منصرف می شود در حالی که برایش فقط یک دهم، یک نهم، یک هشتم، یک هفتم، یک ششم، یک پنجم، یک چهارم، یک سوم، و یا نصف (اجر و پاداش) برایش نوشته می شود».

فهم کلی از فحوای این حدیث متبرکه همین می باشد که هر چه خشوع و حضور قلب در نماز بیشتر به عمل آید اجر و پاداش آن بیشتر و کاملتر خواهد بود و بالعکس.

فقهای مذاهب در مباحث فقهی خویش می فرمایند: اگر کسی در نماز خود خشوع را مراعت نفرماید و به اصطلاح نماز خویش را بدون حضور قلب بجا آورده باشد، نمازش باطل است یا خیر ! و آیا باید به اعاده نمازش پردازد یا خیر ! در این مورد فقها دو رأی معروف و مشهوری ارائه داشته اند:

رأی اول:

گروه اول از علماء بدین باوراند که خشوع در نماز واجب می باشد و شخصی که در نمازش حضور قلب نداشته باشد حتی نمازش هم صحیح نیست و هیچ اجر و ثوابی را از آن حاصل نمی نماید، و باید نماز خویش را از سر تکرار کند.

رأی دوم:

اکثر اهل علم بدین باور اند: اگر شخص در نماز حضور قلب نداشت و نماز خویش را بدون حضور قلب بجا آورد، این شخص به اصطلاح بریء الذمه شده، یعنی فرضش را انجام داده و ضرورتی به تکرار نمازش نیست، اما او اجر و ثوابی را از نمازش نبرده است، در حقیقت به همان اندازه اجر و ثواب برده که در نمازش توجه و حضور قلب داشته است نه بیشتر.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در این مورد می فرماید:

«...ابن عباس رضی الله عنه گفته: برای تو چیزی جز به اندازه ای که در نمازت توجه داشته ای نیست.» اما آیا (غفلت) نماز را باطل می کند و موجب تکرار نماز است؟ این امر بستگی دارد: اگر غفلت در نماز کمتر از حضور قلب باشد و بلکه حضور قلب غالب باشد، در اینحالت تکرار نماز واجب نیست، هر چند که ثواب آن ناقص

خواهد بود، زیرا نصوص شرعی به تواتر رسیده است که سهو در نماز، نماز را باطل نمی کند و بلکه به وسیله دو سجده سهو جبران می شود.

اما اگر غفلت بر حضور قلب غلبه کند، در اینحالت علماء دو قول مختلف دارند:

اول:

نماز در باطن صحیح نیست هرچند که در ظاهر صحیح است؛ زیرا مقصود از نماز حاصل نشده است و شبیه نمازی است که با ریاء خوانده شود که نماز ریاکار هم به اتفاق علماء در باطن موجب برائت ذمه نیست، و این قول ابو عبدالله بن حامد (از علمای حنابله) و ابو حامد غزالی (از شافعیه) و غیر آنها نیز است.

قول دوم :

نماز گزار بری الذمه می شود و تکرار نماز بر او واجب نمی شود، هرچند که اجر و ثوابی به او تعلق نمی گیرد و این به مانند روزه کسی است که از دروغ و اعمال ناشایسته پرهیز نمی کند به جز گرسنگی و تشنگی کشیدن. و این رأی متأثر از امام احمد و دیگر ائمه است و به حدیث ابوبهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم که در صحیحین آمده استدلال کردند که ایشان فرمودند: «**إِذَا أَدَّنَ الْمُؤَدِّنُ بِالصَّلَاةِ أَدْبِرَ الشَّيْطَانُ وَلَهُ ضَرَاطُ، حَتَّى لَا يَسْمَعَ التَّأْدِينَ، فَإِذَا قَضَى التَّأْدِينَ أَقْبَلَ، فَإِذَا ثَوَّبَ بِالصَّلَاةِ أَدْبَرَ، فَإِذَا قَضَى التَّوْبَةَ أَقْبَلَ، حَتَّى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ، يَقُولُ: أَذْكَرُ كَذَا .. أَذْكَرُ كَذَا، مَا لَمْ يَكُنْ يَذْكَرُ، حَتَّى يَظَلَّ لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى، فَإِذَا وَجَدَ أَحَدَكُمْ ذَلِكَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ**». بخاری و مسلم با الفاظ نزدیک به هم.

یعنی: «هرگاه برای نماز، اذان داده می شود، شیطان فرار می کند و از عقب خود، هوا خارج می کند تا صدای اذان را نشنود و هرگاه اذان تمام شد، برمی گردد، و اگر اقامه گفته شد باز فرار می کند دوباره پس از اتمام آن، بر می گردد تا نماز گزاران را دچار وسوسه کند و می گوید: فلان مسأله و فلان مسأله و... را به خاطر ببور. و همه آنچه را که فراموش کرده است به یادش می آورد و او را چنان سرگرم می کند که نداند چند رکعت، خوانده است، پس هرگاه یکی از شما دچار چنین حالتی شد، در آخر دو سجده سهو ببرد».

پیامبر صلی الله علیه وسلم در این حدیث خبر داده که شیطان چیزهایی را به یاد نماز گزار می آورد به گونه ای که نمی داند چند رکعت نماز خوانده و او را دو سجده به جهت سهوی که مرتکب شده امر کرده ولی وی را به تکرار نماز امر نمی کند و فرقی بین (غفلت و سهو) کم یا زیاد وجود ندارد و این رأی میانه تر است؛ زیرا نصوص و آثار شرعی دلالت دارند بر این که تنها اجر و ثواب مشروط به حضور قلب هستند و دلالت بر تکرار نماز نمی کنند نه در باطن و نه در ظاهر والله اعلم. (مجموع فتاوی ابن تیمیه).

حصول نماز حقیقی به جز از حضور قلبی حاصل نمی شود:

از آیات قرآنی و احادیث نبوی چنان استفاده می شود که نماز کامل و حقیقی نمازی است که با حضور قلب و خلوص نیت و همراه با یقین ادا گردد .

نماز کامل باید با طهارت کامل، وضوی کامل، و از همه مهمتر با حضور قلب و خلوص یقین و خالی بودن فکر و ذهن و قلب از توجه و مصروفیت های دنیوی بر پا گردد.

همانطوریکه خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم است: «**فَإِذَا فَرَّغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَب**» (هنگامی که فارغ شدی، به نماز بایست و به سوی پروردگارت بشتاب).

اما این بدان معنا نیست که اگر احیاناً نماز با این خصوصیت نبود آن نماز باطل است، بلکه می توان مراتب متعددی برای نماز و نمازگزار تصور کرد. مسلماً هر چه درجه و مرتبه کمال معنوی بالاتر باشد، نماز بهتر و از درجه ای بالا برخوردار خواهد بود.

قرآن عظیم الشان از برخی انسان ها چنین یاد می کند « **رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله** » (سوره نور آیت ۳۷).

(اشخاصی که تجارت و خرید و فروش آنان را از ذکر الله باز نمی دارد). اینان در عین حالی که در بین مردم هستند و به کار و تلاش زندگی روزمره مشغولند، ولی همه ای این مصروفیت ها آنان را از نماز و یاد پروردگار باز نمی دارد.

برای تحصیل حضور قلب در نماز، مراعات کردن نکات ذیل مفید و موثر است :

- ۱- نماز گزار باید بداند که در نماز با پروردگار خویش ملاقی است و با الله خود سخن می گوید و حمد و ثنای او را بجا می آورد ، اگرچه به معنای الفاظ توجه هم نمی کند.
- ۲- نمازگزار به علاوه حضور قلب ، باید ، به معانی کلمات و اذکاری که به زبان می آورد ، باید توجه جدی داشته باشد و بداند که چه می گوید.
- ۳- بر نماز گزار است تا ، اسرار عبادت و حقیقت اذکار و تسبیح و تحمید موجود در نمازرا بفهمد . و این اسرار و حقایق باید به باطن نماز گزار نفوذ کند

خواندن سوره فاتحه:

سوره فاتحه که به مثابه ام قرآن است باید مطابق دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز باید به ترتیل خوانده شود و در اخیر هر آیت این سوره باید کمی توقف شود. ولی با تأسف باید گفت دیده شده که بسیاری از نمازگزاران ما سوره فاتحه را با عجله و بدون مراعات کردن ترتیل آن قرائت می نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم که در اول تمام آیات قرآنی خوانده می شود آیه اول سوره فاتحه می باشد. یعنی سوره فاتحه به بسم الله الرحمن الرحيم، آغاز و به **ولا الضالین**. آمین، ختم می شود و نماز بدون خواندن فاتحه تکمیل نیست.

وضعیت دست ها در رکوع و سجده:

دست ها در وقت رکوع و سجده باید باز باشد، این بدین معنی است که دست ها را نباید با جسم خوش وصل نمائیم، و به اصطلاح دست ها را نباید به جسم بچسبانیم ، و هکذا در وقت سجده کوشش به عمل آریم تا شکم را با ران های خویش نجسپانیم .

پیامبر اسلام هنگام رکوع، آرنج دستهایش را از پهلوهایش دور نگاه می داشت و حتی الوسع کوشش می کرد که آرنج هایش به پهلویش نجسبند « **ثم رکع فوضع يديه على ركبتيه كانه قابض عليهما ووتر يديه فتحاهما عن جنبيه** » (آنحضرت رکوع کرد پس نهاد دستهای خود را بر زانو ها گویا زانو ها را قبض کرده بود و هر دو دست را از هر دو پهلو خود دور گذاشت) (ترمذی جلد اول صفحه ۳۵، ابو داوود جلد اول صفحه ۱۱۴ باب افتتاح الصلوه ، مشکوه صفحه ۷۶).

همچنان عادت مبارک پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که دست های خویش را در رکوع و سجده از بدن خویش دور نگاه می داشت ، به اندازه ای که حتی سفیدی زیر بغل پیامبر صلی الله علیه وسلم معلوم می شد.

رسول الله صلی الله علیه و سلم در سجده ، آرنج دستها را بر زمین نمی نهاد (روایت بخاری) بلکه آنها را بلند و دور از پهلوها نگه می داشت. طوری که سفیدی زیر بغل هایش از پشت به چشم می خورد (متفق علیه) و ممکن بود که چوچه گوسفند یا بزغاله بتواند از زیر بغل ایشان، عبور کند (روایت مسلم) و در آن (دور داشتن دستها) طوری مبالغه می نمود که بعضی از اصحاب، می گفتند: از بس که در سجده، بازوهایش را از پهلوهایش دور نگه میداشت دلمان به حالش می سوخت (روایت ابوداود).

و دیگران را نیز به رعایت آن، دستور می داد. چنان که فرموده است: «**إذا سجدت؛ فضع كفيك و ارفع مرفقك**» (روایت مسلم). (هنگام سجده ، کف دستهایت را بر زمین بگذار و آرنجها را بلند نگهدار).

همچنین فرموده است: در سجده ، اعتدال و آرامش خود را حفظ کنید و دستها را به سان سگ، پهن نکنید (متفق علیه).

«**اعتدلوا في السجود ولا يبسط احدكم ذراعيه انبساط الكلب**» (بخاری جلد اول ، صفحه ۱۱۳ ، مسلم جلد اول صفحه

۱۹۳) (در سجده خود را راست کنید و هیچ یکی از شما دوازوی خود را مانند سگ گسترده ننماید)

و نیز فرموده است: دستها را بسان حیوانات درنده پهن نکنید، اگر چنین کردی، در واقع همه اعضای جسمت با تو سجده کرده اند (روایت ابن خزیمه).

ادامه دارد